

متن سخنان رهبر

# حزب پان ایرانیست

در مخالفت با برنامه دولت آقای

دکتر شاپور بختیار

بیست و ششم دیماه ۱۳۵۷

من معمولاً مطالبی را که عرض می‌کردم بدون نوشته بوده است مگر شاید در طی تاریخ دو دوره فعالیت‌های پارلمانی و سالها کوشش‌های سیاسی و اجتماعی در چند مورد شاق و نادر و بنا به سبب و جهتی که شاید موقعیت میهن ما و سرنوشت جامعه ما آنچنان حساس بوده است که تشخیص میدادم مطالبی را بنویسم و باز گو کنم. در این لحظه و برهه خاص از تاریخ این ملت که ما بدنبال یک نهضت عظیم با ابهامات بسیار می‌بایست بسوی آینده‌ای روشن و امید بخش حرکت بکنیم مطالبی که نوشته‌ام بعرض میرسانم و احیانا اگر اندک توضیحی لازم بود به استحضار خواهم رساند:

هم میهنان: من اکنون در یکی از حساس‌ترین، خطیرترین و تحول‌بخش‌ترین ایام تاریخ ملت ایران با شما سخن می‌گویم. و آن برهه حساس، غرور آفرین و خطیری که بدنبال انقلاب و نهضت عظیم ملت ایران، بسیاری از نهادهای اداری و اجتماعی دیرین را، با همه سرسختی و مقاومت و ظلم و ستمگری در هم کوبید، حال در آن دقایق حساس از زمان هستیم، که باید با اندیشه ایرانی، با اندیشیدن به موجودیت سرزمینی، فرهنگی و قومی ملت ایران با همه کلیت و تمامیت آن، طرح نظامات اداری و اجتماعی و سیاسی، جامعه فردا را بریزیم و یکدل و هماهنگ بسوی آرمانهای بزرگی بخش و آزادگی طلب جامعه‌ی مبارز و انقلابی ایران گام برداریم.

آنچه اکنون، در این لحظات، در مقام و موضوع مخالفت با دولت سخن می‌گویم: مطلبی تازه و انتزاعی و تجریدی از حوادث و وقایعی نیست که طی پانزده سال و یا بیست و پنج سال و براستی میتوان گفت: حتی طی دو قرن گذشته: بر ملت ایران تحمیل گردیده است که در عمده‌ترین بخش از آن، سیاستهای استعمارگر ضد ایرانی، مداخلات صریح و آشکار و ظالمانه داشته‌اند و نظامات فاسد و ظالم حاکمه دست در دست این سیاستهای ستمگر ضد ایرانی، بر ملت ایران روا داشته‌اند. بدین سبب، هر گاه به مفهوم دولت و نظامهای حاکمه، از دیدگاه نماینده ملت، برای حفظ منافع و موجودیت ملی، توجه گردد، سالان بسیار و بلکه چندین دهه است که جز در مواردی معدود، با اتکاء بر چنین مفهومی دولت

و نظام های جامعه ی ایرانی ، از موضع تاریخی و ملی و قانونی خود خارج شده است و پیوندی را که میبایست میان دولت بمفهوم کلی و بسیط آن ، با ملت و آرمانهای ملی وجود داشته باشد از دست داده است . هر گاه دولت و نظام حاکمه هر مملکت و هر ملت بمفهوم نماینده آن ملت و آن سرزمین ، برای حفظ یگانگی ، آزادی ، منافع و تامین زیست شایسته و سرافراز آن ملت باشد که جز این هم نیست ، همانگونه که بیان گردید ، چندین دهه است که جز در همان موارد معدود و اندک ، دولتها و نظامهای حاکمه جامعه ی ایرانی ، مشروعیت ملی و تاریخی خود را از دست داده اند . من اکنون که بنام یک ایرانی مسلمان ، آزاده و میهن خواه ، در این موضع ایستاده و سخن میگویم ، من که بنام یکی از فرزندان این میهن و ملت بزرگ ، سی و هفت سال پیش از این ، آنگاه که بار دیگر دست بیگانگان در دست هیات حاکمه فاسد و نالایق شهرها و روستاها و دشتهای و کوهستانهای میهن ما را به زنجیر اشغال نظامی کشیدند چونان هزارها هزار ، زنان و مردان و دختران و پسران این سرزمین ، برضد ستمگری برضد سیاستهای استعمار گر ضد ایرانی ، برضد هر گونه روش استثمار ملت ایران پیا خاستیم و براه اندیشه ی مقدس دفاع از استقلال و موجودیت ملی ، رزمی وقفه ناپذیر را دنبال نمودیم . از آن هنگام تا کنون بیش از سی و هفت سال میگذرد . طی این سالهای متمادی ، میلیونها زنان و مردان این سرزمین برای وصول به آزادگی برای احقاق حقوق تاریخی و بحق غارت شده ملت ایران ، برای دفاع از اصول حاکمیت ملی و استقرار عدالت سیاسی و اجتماعی برای مبارزه با غارتگران داخلی و خارجی نبردی وسیع و غرور انگیز را ادامه داده اند . هر چند مبارزان و نبرد جویان ملت ایران ، گهگاه نسبت به مسائل گوناگون اختلاف روشهائی داشته اند و دارند اما آنچه هست ، از آنجا که اصول ادامه حیات ملی و احکام حفظ موجودیت ملی ، اصولی است متقن و غیر قابل تغییر ، همه ی این مبارزان ، آنجا که بملت ایران و میهن ایرانیان ، اندیشه میکردند و اندیشه میکنند ، با هر سلیقه و از هر راه که طی طریق میکردند ، در پایان ، صفوف آنان بیکدیگر می پیوست و آنگاه همتی و تجمعی چنین مبارزات عظیم و گوناگون

ملی بود که در پهنه ی تاریخ ملت ایران ، چهره قیام ها و نهضت‌های ملی را ترسیم مینمود . که مآلاً نهضت مشروطیت ایران و از آن پس نهضت ملی شدن نفت در سرتاسر ایران و بالاخره در این زمان ، این نهضت و انقلاب شامخ و عظیمی که بهر کیفیت ، نقطه عطف و حرکت تاریخ و زندگی ملت بزرگ ایران میباشد ، نمودارهایی است از آنگونه نهضتها و انقلابهای عظیم ملت سرفراز ایران تاریخ ایجاد و تکوین و تکامل و اعلام موجودیت کامل ملت‌ها و از آن پس تاریخ از هم پاشیدگی ، تجزیه ، × و زبونی و بالاخره در واپسین هنگام ، فرو بستن کتاب حیات و زندگی ملت‌هایی که توانستند ، در درازای تاریخ جهان ، موجودیت ملی خود را حفظ کنند ، نشان میدهد که چگونه احکام و اصولی میتواند حافظ موجودیت ملی ملت‌ها باشد و عدول از کدام یک از این اصول چونان ضرباتی سهمگین و کشنده بر ریشه های موجودیت ملت‌ها تواند بود . از این گذشته ، تاریخ چند هزار ساله ملت ایران ، در همه فرازها و نشیب‌های آن بویژه تاریخ بیش از دو قرن زندگی گذشته ملت ایران دلالت دارد که انگیزه های ضعف و ناتوانی و تجزیه و غارتزدگی ملت ایران چیست و برای ادامه حیات جامعه ی ایرانی و باز پس گرفتن حقوق غارت شده ملت ایران و اعاده اصل حاکمیت ملی بر سرنوشت ملت ایران و بالاخره برای حرکت یکپارچه و هماهنگ جامعه ی ایرانی بسوی آرمانهای اصیل و زندگی بخش و امید آفرین آن چه میبایست کرد ؟

بیش از دویست سال گذشته ، هیاتهای حاکمه استعماری ، بهر رنگ و شکل که بوده و هستند ، دست در دست عناصر غارتگر و خود کامه و قانون شکن داخلی ملتی بزرگ را به بند تجزیه کشیدند ، سرزمینهای بارور او را ویران ساختند ، فرهنگ عمیق و فخیم ملت ایران را دچار افسردگی و خموشی و چه بسا انحطاط و فرو مایگی نمودند ، منابع طبیعی این سرزمین را بغارت و یغما بردند ، نتیجه کار و کوشش میلیون‌ها رنجبران و دیگر کوشندگان میهن ما را چپاول نمودند ، معتقدات ملی ، سنت‌های میهن و اندیشه های ایرانی را مورد سخت ترین یورشهای ضد ایرانی قرار دادند ، برای نا آگاه ساختن جامعه ی ایرانی به هویت تاریخی و فرهنگی و سیاسی خود ، خونین ترین وسیله دل‌ترین دورانهای اختناق

را چه بگونه ی در هم شکستن مرزها و حصن و حصار قوانین و حاکمیت ملی و چه بگونه ی ، قلب حقایق و مستولی ساختن تبلیغات دروغین و ضد ملی ، بملت ایران تحمیل نمودند . با این همه ، این ملت ، در کشاکش چنین حوادث شوم و خسران بار و در زیر ضربات این همه تازیانه های ظلم و ستم و در برابر چنین یورشهای بنیان کن و نظامی ، سیاسی ، فرهنگی و تبلیغات ضد ایرانی ، بیداری و هشیاری خود را از دست نداد ، طی این مدتهای طولانی ، چه بسا ، برگزیده ترین فرزندان پاکدل روشن بین و شجاع این سرزمین ، به سیاهچالها فرستاده شدند ، در غل و زنجیر نفسهای واپسین زندگی را از سینه بیرون فرستادند و یا برابر رگبار گلوله ها قرار گرفتند ، ( موارد بسیاری از آن را دیدید و

در این روزهای بسیار نمونه هائی غم انگیز و رنج آور از آن در وسائل ارتباط جمعی منعکس شد ) در چنین حوادثی و نیز در بسیاری از توطئه های ضد ملی داخلی که مستقیماً از سوی سیاستهای ضد ایرانی تنظیم میگردد و آنگاه بدست هیاتهای فاسد حاکمه و دیگر عمال وابسته بقدرتهای متجاوز و ضد ایرانی طرح ریزی و اجرا میشد ، هزارها و دهها هزار از مردم میهن ما بقربانگاهها فرستاده شدند ، با این همه ، بارقه حق طلبی ، میهن خواهی و شناخت اصول موجودیت ملی و راه سرفرازی ، در میان جامعه ی ایرانی خاموش نگردید و بهر حال فرزندان این سرزمین راه بقا و آزادی و شرف ملی را طی کردند . اما آنچه طی سالهای اخیر بر میهن ما گذشت ، آنچه با همه ی امکانات و قدرتهای مالی و موقعیت های خاص زمانی که سر نوشت و همت والای ملت ایران در اختیار مردم میهن ما قرار داده بود ، بر این ملت و بر این سرزمین از سوی هیاتهای حاکمه اعمال گردید ، بسی غم انگیز تر و خسران بارتر از مصائب و رنجهای گذشته و دیرین بود . اجرای چنان برنامه هائی سبب گردید که ملت ایران را در تار و پود سخت ترین توطئه های ضد موجودیت ملی قرار دهند طی این سالها نه تنها اعمال اصل حاکمیت ملی همچنان نقص گردید ، نه تنها اصول همه ی قوانین ، بویژه قوانینی که بسود ملت ایران باشد در هم شکسته شد ، نه تنها عظیم ترین ثروت ملی که در طی تاریخ از دل سرزمین ایران بیرون کشیده شد در

کوتاهترین مدت ، از سوی غارتگران خارجی و داخلی به یغما رفت ، نه تنها گروههای عظیم از جوانان میهن ما بجرم آگاه دلی کشته شدند و یا برنجیر و حبس و شکنجه کشیده شدند ، نه تنها میهن ما برای ملت ایران بیک زندان بزرگ تبدیل گردید ( ما تنها زندانهای کوچکی نداشتیم متأسفانه این واقعیات و حقیقتی است که طی سالها تمامی این سرزمین بیک زندان بزرگ برای میهن پرستان و ملت ایران تبدیل شد ) ، بلکه خائنان و تبهکاران آنچنان بر نهادهای قومی و فرهنگی ملت ایران یورش آوردند ، آنچنان همه ی آنچه را که ساخته و پرداخته کار و کوشش و ایمان و روشن بینی و تلاش نسلهای گذشته متعدد ایرانی طی صدها سال گذشته بود ، در هم کوفتند ، که بیگمان برای بازسازی و پابرجا نمودن دگر بار آن نهادها که تکیه گاهها و اصول موجودیت و ادامه زیست ملت ایران میباشد ، مجاهدت و هماهنگی میلیونها مردم ایران زمین طی زمانی طولانی ضرورت دارد ( یک نمونه را بیان میکنم طی صدها سال شاید هزارها سال میلیونها ایرانی کوشیدند که دقیقترین و اعجاب انگیزترین شبکه آبیاری یعنی قنوات را در دل سرزمینهای ایرانی ایجاد کنند . آن چه خائنی بود که این شبکه را از میان برد ؟ دیگر چگونه میتوان آنها را باین قنوات برگرداند . این چه خیانت بزرگ بود ؟ این نتیجه چند هزار سال کار مردم میهن ما بود این تنها یک مسئله اقتصادی نبود ، این یک قیام علیه موجودیت ملت ایران بود . حالا سخن از این است که بعنوان سوء استفاده آنها را تعقیب کنید ؟ او به نتیجه کوشش و رنج هزارها ساله ی ملت ایران خیانت کرد و این نمونه ای است کوچک از آنچه نهادهای ملی ، اقتصادی و سیاسی ما را بر هم ریختند . یورش مغول با ملت ایران چنین نکرد . این واقعیتی است که با نهایت صمیمیت بیان میکنم . )

هم میهنان : طی آن سالهای شوم که بیگمان نا آگاه ترین و خود کامه ترین هیاتهای حاکمه تاریخ چند هزار ساله ملت ایران ، بر این سرزمین حکومت نمودند ، هیچ عنصر حقیقت جو و میهن خواه و عدالت دوست ، در هر موضع و در هر کجا که بود ، خاموش نشست ، کوشش و رزمی بزرگ را ادامه داد ( بیگمان صورت مذاکرات همین مجلس شورای ملی دلالت دارد که در همین مجلس چه



رزم بزرگی بر ضد این هیات های فاسد حاکمه و نابکاران ادامه پیدا کرد . ( بیگمان چنین تلاش عظیم و همه جانبه از سوی همه ی ملت ایران است ، که ما لا در چهره نهضت عظیم ملت ایران تجلی نمود و انقلابی شامخ ، دگرگون بخش و پیروزی آفرین را متجلی ساخت . بیگمان ، در مسیر این انقلاب عظیم که براه آن تا کنون چندین هزار شهید داده شده است هر کس و هر گروه ضمن وحدت نظر در اصول و آرمانها و مبادی آن ، که همان حفظ موجودیت ملت ایران ، دفاع از آزادی جامعه ی ایرانی و فراهم ساختن موجبات اعمال حق حاکمیت در تعیین سرنوشت ملت ایران میباشد و اصول کلی دیگر از این قبیل با سلیقه و برداشت خاصی کوششها را دنبال میکند ، اما ویژه گیهای انقلاب حوادث و مخاطرات منطقه ای و جهانی ، شناخت موجودیت ملت ایران ، بعنوان یک پدیده تاریخی و اجتماعی و نه بعنوان یک پدیده سیاسی ساخته و پرداخته توافق سیاستهای خودکامه جهانی و بالاخره درک موضع ملت ایران در پهنه ی زندگی جامعه بشری و بخصوص توجه بموقعیت جغرافیای سیاسی ایران در پهنه ی هزار ها سال تاریخ موجودیت ملت ایران و نیز توجه به توطئه ها و دسیسه های به اصطلاح ابر قدرتها که همان سیاستهای استعمارگر دیرین میباشد ، برای ملت ایران مسائل و یا باید هائی را مشخص مینماید ( نکته ای را عرض کردم که ملت ایران و سرزمین ایران بعنوان یک پدیده تاریخی - اجتماعی نه بعنوان یک پدیده توافقه های سیاسی . در این جهان فرق است ، ما ملت ایرانیم و پشت سرمان تاریخی داریم تا زمانهای نا شناخته . ریشه موجودیت ما تا زمانهای ناشناخته تاریخ رفته است . ما فلان کشور نوپا نیستیم که بر اساس یک توافق بین المللی بوجود آمده باشد . این جا ایران است ، ایران است و این ملت ، ملت ایران است . پس مسائل ملی ما ، مسائل اجتماعی ما ، مسائل سیاسی ما و در نتیجه راه حل های اجتماعی و سیاسی ما باید با توجه بر موضع ملت ایران در چنین پایگاه جهانی باشد . یعنی ، ما باید ببینیم کجای تاریخ و کجای جهان ایستاده ایم . ( ما از ابتدای تاریخ بوده ایم ایستاده ایم و امروز در متن و دل تاریخ هستیم و باید این موجودیت ملی تا جهان هسته ادامه پیدا کند . پس

اینست آنچه که باید محور بررسیهای ما باشد برای هر کس در هر جایگاه و در هر موضع . گفتیم بایدها ، یعنی فرمان سر نوشت . باید یعنی ضربان قلب در این جسم . اگر قلب ضربان نداشته باشد این جسم جانی است بی روان . بایدهائی برای ملتی هست که اگر نباشد آن ملت نخواهد بود و اگر ما بخواهیم باشیم میبایست ، بایدهای ملت خود را بشناسیم . یعنی ، فرمان سرنوشت را بدانیم که چیست ) . که توجه به آن مسائل و بایدها راه آینده ملت ایران را دقیقاً ترسیم مینماید و بهمین ی نیروهای انقلابی ملی هشدار میدهد که باید چگونه تلاش کنند ، از کدام سمت و بسوی چه مقاصدی طی طریق نمایند . که این هشدار نه تنها هشدار تاریخ و سرنوشت به مبارزان انقلابی است بلکه هشدار و فرمان سرنوشت ، بهمین ی فرزندان این سرزمین است که میخواهند ایران بماند ، یگانه و متحد ، سرفراز و آزاده و آنگاه با چنین سرفرازی به پهنه ی پرتلاطم زمان آینده گام بگذارد و دوران سازندگی انقلاب ملی خود را آغاز کند . من بنام یک سرباز دیرین راه و ان ، هم از سوی خود ، هم از سوی همه ی مبارزان پان ایرانیست و هم شاید بتوانیم بگویم از سوی گروههای میهن خواهان و کسانی که به ناسیونالیسم ایران دلبستگی و اعتقاد جازم دارند . شمه ای از آن مسائل و در نتیجه موضع شناخت راه حلهای مسائل اجتماعی ایران را در نظام انقلاب عظیم ملی بیان میدارم .

پیش از بیان این نکات ، درود بی پایان ، به روان همه ی آن زنان و مردان ، دختران و پسران ، کارگران و کشاورزان ، سربازان و کارمندان و دیگر فرزندان این سرزمین میفرستم که براه نهضت عظیم ملت ایران ، چه در گوشه زندانها و چه در صحنه های درگیری جان خود را از کف داده اند . از اعماق وجود صمیمانه ترین سپاس را بسوی مراجع عالیقدر روحانیت پیشکش میدارم ، که چونان دگر ایام خطیر تاریخ این سرزمین در برهه ای خطیر به ارشاد و رهنمود جنبش وسیع ملت ایران همت گماردند . اما اینک به بیان پاره ای از اهم مسائل جامعه ی ایرانی در این دوره از تحول زندگی و تاریخ ملت ایران میپردازم :



۱- همانگونه که طی سالهای متمادی ، چه در موضع پارلمان و چه در موضع روزنامه نگاری و چه طی هزارها سخنرانی در مجامع هم میهنان ما ، در شهرها و روستاهای گوناگون کشور بیان داشته ام که بویژه در هنگام طرح برنامه سه دولت پیشین نیز به خشن ترین و ظالمانه ترین و فاسدترین نوع حکومت های استبداد بر جامعه ی ایرانی تحمیل گردید . چنین نظام خود کامه و ستمگر و ضد ملی ، از سه شاخه ی انترناسیونالیستهای راست و چپ و غارتگران تشکیل گردید که مثلث شوم حکومت " توتالیتر بوروکرات " که خشن ترین و فاسدترین نوع حکومت مستبد و دیکتاتوری در جهان میباشد ، سرنوشت ملت ایران را بیبازی گرفت . نموداری کوچک از اقدامات این نظام حاکمه خود کامه خروج بخش عظیمی از در آمد ملی جامعه ایرانی طی دو ماه بخارج از کشور میباشد ( آقایان : یکی از موارد مذکور در قانون مجازات عمومی ایران ، جناب صادق وزیر ی ، جنابعالی بخاطر دارید در قوانین جزائی ایران قیام و اقدام علیه استقلال مملکت فقط قیام و اقدام علیه وحدت ارضی نیست . استقلال مملکت وجوه مختلفی دارد . استقلال اقتصادی ، استقلال فرهنگی و وجوه دیگر . وقتی ظرف دو ماه چنین مبالغی ارز از کشور خارج بشود آیا این یورش و هجوم بر ضد استقلال اقتصادی مملکت نیست ؟ چرا پس منتظر شدند ؟ ) آنچه را که حکومت خود کامه و ضد ملی " توتالیتر بوروکرات " طی سالهای اندک بگونه ی غارت و چپاول ثروت ملی از منابع فناپذیر نفت و گاز ، چه بگونه غارت داخلی و چه بگونه ی همگامی با چپاولگران خارجی انجام داد بیگمان در تاریخ حکومت هیاتهای حاکمه در جهان بیسابقه است ( این را من با قاطعیت کامل میگویم ، غارتگری که نسبت به ملت ایران شد در تاریخ جهان بیسابقه بوده است ) که رسیدگی سریع و دقیق و اعلام نتیجه آن از خصوصیات و وظائف اولیه نظام انقلابی خواهد بود .

۲- تمامی کسانی که طی سالهای گذشته در برنامه ریزی و طرح و اجرای برنامه هایی که منجر بگارت ثروت ملی ، از بین رفتن فرصت های تاریخی ، نقص اصول آزادیهای فردی و اجتماعی ، قتل و حبس و شکنجه هزارها هم میهنان مبارز ما گردیده اند ، کسانی که اصول ملی ما را در زمینه داخلی و چه در زمینه های

خارجی و رابطه با کشورهای دیگر نقص نموده اند باید نه به تعداد باز داشت شدگان فعلی ، بلکه در سطح وسیع و ضرور آن ، نه تنها بعنوان سوء استفاده کنندگان مالی از بیت المال مملکت بلکه بعنوان مجرمین ملی و مقدمین علیه استقلال و موجودیت ارضی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی جامعه ی ایرانی تحت پیگرد انقلابی قرار گیرند و به مجازات برسند ( این برنامه ریزیها ، اینها ساده نبوده است . همین جا مطرح شد مگر نگفتیم آقا یک سرزمین با این وسعت ، امنیت ملی این سرزمین ایجاب نمیکند که این سرزمین را زیر شبکه برق سرتاسری قرار بدهید ، مگر اینجا گفته نشد ، مگر نگفتیم اگر در اثر یک حادثه یکی از نیروگاهها از کار بیفتد ، ایران در خاموشی فرو خواهد رفت ، مگر اینجا گفته نشد ، مگر نگفتیم ؟ آن کسانی که این برنامه ها را اجرا کردند چه کردند ؟ جز اینکه امنیت ملی ما را مورد مخاطره قرار دادند و موارد دیگر . تمامی این برنامه ها که اجرا شده نقض قوانین موجود ، قیام علیه امنیت ملی ، اقدام علیه استقلال اقتصادی ، اقدام علیه موجودیت ملی بوده و تا کنون جز تعداد معدودی کسی را باز داشت نکرده اند ، بقیه هم رفتند و رفتند حتی من نمیدانم در زمان حکومت جنابعالی تا کنون چه تعدادی رفته اند ؟

۳- روش و سیاست تبعیت از سیاستهای خارجی که متاسفانه بر خلاف آنچه تظاهر میگردید از ویژه گیهای طرز کار هیاتهای حاکمه توتالیتربوروکرات بود و اکنون نیز متاسفانه بموجب خبرهای رسمی که از طریق روزنامه ها و خبرگزاریها منعکس میگردد همچنان در نحوه ی کار همان دستگاهها مشهود است ، باید بالمال محکوم گردد .

(هنوز هم هست من شرم میکنم وقتی خبر این خبرگزاریها را گوش میکنم ، چرا؟ شما نالایقها نتوانستید و هر یک در فرصتی موضع را ترک کردید چرا نگذاردید ملت ایران با حاکمیت ملی خودش بایستد تا امروز بهیچ خارجی اجازه ندهد برای او تعیین تکلیف کند . این است سرنوشت ما ؟ این است آنچه که سالها بملت ایران تحمیل کردند و ارمغان آوردند ؟ کجا؟ کجا؟ چرا مواضع خودشان را ترک کردند ؟ میترسند؟ این ملت بطور قطع با چنگ و دندان از این سرزمین

دفاع میکرد. مگر ماندیدیم، ۲۰۰ سال که هیچ نوع حکومتی نبود در این مملکت این ملت ایران بود که از این وطن دفاع کرد، امروز هم این ملت دفاع خواهد کرد.) جامعه ملی و انقلابی ایران، جز به موجودیت، مصلحت و زندگی و منافع ملت ایران به چیزی دیگر نمیتواند اندیشه کند، در پهنه ی ایرانزمین "در سرتا سر جامعه ی ایرانی، در هرکوشش سیاسی و اجتماعی، باید تنها به ایران، به ملت ایران، به وحدت و استقلال و آزادگی جامعه ی بزرگ ایرانی اندیشه شود (همین و بس). اجرای اصل حاکمیت ملی جز بدین معنی نیست که اراده ملت ایران، معطوف به منافع و موجودیت ملی ایران، باید تنها تعیین کننده سرنوشت "ایران زمین" و جامعه ی ایرانی باشد.

۴- همانگونه که تاریخ کهن ملت ایران دلالت دارد، همانگونه که جنبش پان ایرانیسم با الهام از تاریخ ایران و نیازهای ملت ایران، از نخستین زمان کوشش خود اعلام نمود، همانگونه که هر جنبش میهن خواه و هر ایرانی میهن دوست بدان آگاهی دارد، در این سرزمین، مذهب با ملت ایران در آمیخته است و شریعت مقدس اسلام نه تنها بعنوان یک عقیده مذهبی، بلکه بگونه ی استوارترین ستون موجودیت ملی ما است، هیچ پدیده اجتماعی و سیاسی و قانونی و وابسته با ملت ایران نمیتواند و نباید از این واقعیت محتم بدور باشد و کوششهای نا بخردانه برای تفکیک زندگی اداری و اجتماعی و سیاسی ملت ایران از این پایه قویم و استوار و بحق، جز اقدامی نا بکارانه و برضد موجودیت ملت ایران تلقی دیگر نمیتواند داشته باشد.

۵- نه تنها دفاع از وحدت و یگانگی و پیوند سرزمینی و قومی جامعه ی ایرانی، نخستین و مقدس ترین هدف هر جنبش ملی و بالاخره هر تشکیلات و پدیده اداری و اجتماعی وابسته به ملت ایران است، بلکه ما هرگز نمیتوانیم با اعتقاد به موجودیت ملی و فرهنگی و مذهبی ایرانی از یاری و برادری وابستگان بملت و مذهب و فرهنگ خود دست برداریم. بدین سبب در استراتژی ملی ایران، همانگونه که تاریخ صدها ساله نشان میدهد، دفاع از حقوق انسانی و بحق شیعیان در هر کجای جهان که زیست میکند، دفاع از حقوق انسانی و بعضی

کردهای دلیر و بلوچه‌های گرد و دیگر شاخه‌های قومی و مذهبی و فرهنگی که با ملت ایران پیوندهای دیرین صدها ساله دارند ، هم بموجب چنین وظائف و نیازهای ملی و هم بموجب مقررات منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاقهای بین‌المللی از وظائف و هدفهای قطعی جامعه و نظام ملی ایران است . ( بخاطر دارید در همین مجلس بود آن زمانی که حکومت‌های مستبد و خودکامه عراق گروه شیعیان را از عراق بیرون راندند با ظلم و ستم فریاد برداشتیم ، استغاثه کردیم ، از مسئولان که آقا بدفاع از حقوق اینها برخیزید نکردند ، نکردند ، و امروز کردها را قتل عام کردند در عراق ، در مناطق دیگر و گفتیم توجه نکردند و امروز در این منطقه بحث دقیقتر نمیکنیم ما را با مخاطرات عظیم روبرو کردند . آن چه دستی بود ؟ آن چه سیاستی بود ؟ آن چه خود کامگی بود که یاری بر جنبش و آزادگی طلبی به حق کردان آنسوی مرز را فراموش کرد و چقدر گفتیم که چه مخاطراتی ممکن است جامعه ما را تهدید کند اما توجه نکردند ، یک حکومت توتالیتر بوروکرات که نمی‌شناخت موضع ملت ایران در تاریخ کجاست ، نمی‌شناخت پایگاه ما در این منطقه جهان کجاست ، نمی‌شناخت رشته‌های موجودیت ملی ما کجاست ، نمی‌شناخت شیعیان در هر کجای جهان که هستند اینها رشته‌های وابسته به موجودیت ملت ما هستند . نمیدانست که کرد در هر کجای جهان که هست موجودیت وابسته به ملت ایران است و اگر ما از ایران سخن می‌گوئیم ، یعنی ، این بهم پیوسته . و چون نمی‌شناختند و امروز ما را مصادف باغمها ، رنجها ، مشکلات و مسایلی کردند که می‌بینیم .

۶- از اصول مسلم تاریخ زندگی ملتها و نیز از اصول مسلم طریق و روش ادامه حیات ملتها ، که بعنوان اصلی محتوم در تاریخ و جامعه نقش بسته است که حاکمیت ملی تجزیه پذیر نیست . ( این در مورد فلان کشوری که قراردادهای دو ابر قدرت ایجاد کرده اند ممکن است قابل بحث باشد ولی برای یک ملتی که تاریخ به آن هویت داده ، تاریخ به آن سند مالکیت داده ، حاکمیت ملی تجزیه پذیر نیست ) به دلالت تاریخ ، هر زمانی ملتی ، این اصل قویم و اطمینان

بخش را از زندگی خود بدور سازد ، براستی با زندگی بدورد گفته است . چنین است راز آنکه ، طی هزارها سال تاریخ جامعه بشری ، ملت‌هایی به پایان راه خود رسیدند و ملتی دیگر چون ملت ایران ، با وجود تحمل نشینها و فرازها و با وجود حضور در چنین منطقه ای خطیر از جهان زندگی و موجودیت ملی خود را ادامه داده است . اتکاء بر این اصل ، که هرگاه بخواهیم زنده باشیم ، که باید هم زنده باشیم ، شناخت و اعتقاد به آن ضرورت دارد ، به مردم میهن خواه و مبارز هر ملت ، فرمان میدهد که حقوق غارت شده تاریخی خود را از یاد نبرند ( این فرمان تاریخ است . )

خدای بزرگ را سپاس می‌گوییم ، که بما پان ایرانیستها این امکان و توانائی را عنایت فرمود ، تا با اتکاء بر این اصل مبارزان حق طلب برای حقوق غارت شده ملت خود باشیم . شاید دست سرنوشت چنین میخواست که پان ایرانیستها در دوره پیش از این در مجلس شورای ملی حضور داشته باشند و هنگام اجرای توطئه برای جدائی بحرین ، از سوی همین طبقه توتالیتربوروکرات ، ندای حق طلبی ملت ایران را سر دهند و باتفاق گروهی دیگر از مبارزان میهن خواه که یادشان گرامی باد ، نقاب از چهره این توطئه برداشتنند . اما ، مگر این حق ملی میتواند فراموش گردد ؟ در این موقع نکته شایان توجه و هشیار دهنده برای هر ایرانی میهن خواه این است ، که آقای بختیار در مصاحبه هائی عنوان نموده است که دیگر ما نمیخواهیم " ژاندرام " خلیج فارس باشیم . ( هرگاه این اظهار بدان معنا است که خلیج فارس را که شاه‌رگ حیاتی ملت ایران است ترک گوئیم و سرنوشت آنرا که تنها باید از سوی ملت ایران و دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس تعیین گردد ، بعهدده دیگران گذاریم ، این دیگران جز سیاستهای استعماری قدرتی دیگر نخواهند بود . این سخن خطرناکترین زمزمه ای است که من شنیده ام .

خلیج فارس ، سرنوشت و حوادث خلیج فارس هرگز نمیتواند جدا از سرنوشت و استقلال و موجودیت ملت ایران باشد . آن تبلیغات شوم و استعماری و ضد ایرانی که سالهاست با چنین اقدامات ، ملت ایران را در مخاطره و حالت خفقان



سیاسی و آرمانی قرار داده اند ، با ادامه چنین تبلیغاتی می‌خواهند شاهرگ حیاتی ملت ایران و دیگر ساکنان ساحل جنوبی خلیج فارس را هر چه بیشتر در چنگال خود بگیرند . آن هنگام است که چونان حوادث گذشته تاریخ ما یکی از حقوق مسلم خود را از دست خواهیم داد و در واقع دریچه تنفس سرزمین و جامعه ی ایرانی مسدود خواهد شد . ( من شما را نمی‌خواهیم بتاریخ گذشته ببرم تیمسار شفقت تشریف دارید تاریخ نظامی ایران را بخوبی میدانید و موجودیت ملت ما و استقلال ملی ما جدا از خلیج فارس مفهوم و معنایی نمیتواند داشته باشد برابر چنین اقدامات و توطئه هائی هر ایرانی باید آگاه باشد ، هر ایرانی باید مقاومت نماید و هر ایرانی باید مدافع حضور بحق درفش سه رنگ ملی ایران بر پهنه ی آبهای آسمانی رنگ خلیج فارس باشد . ما پان ایرانیستها و بیگمان ، هر فرد میهن خواه ، در این موضع خواهیم ایستاد ، در مورد بحرین هم ایستادیم حالا هم خواهیم ایستاد هر چه بشود ) و برابر هیچ موج و توطئه ای از این حق ملی که با زندگی سیاسی و استقلال و موجودیت ملت ایران و دیگر ساکنان این منطقه ارتباط دارد چشم نخواهیم پوشید .

من اکنون دلم مالا مال از غم و اندوه گردیده است گویا بدنبال جدائی بحرین می‌خواهند آخرین صحنه را بازی کنند و بحضور بحق و تاریخی و ضرور ملت ایران و مالا دیگر ساکنان سواحل خلیج فارس در آبهای گرم این خلیج ایرانی پایان دهند . من اینجا به آن افسران و ناویان ایرانی که درفش ملی ایران را بر آبهای خلیج فارس برافراشته نگهداشته اند درود میفرستم و نظر همه ی نیروهای انقلابی و ملی را باین موضوع مهم و سرنوشت ساز معطوف میدارم ، ( این بزرگترین ، مهم ترین پیام یک ایرانی به تمام کسانی است که در رگهای خودشان خون ایرانی دارند . این توطئه ای عظیم بود و امیدوارم از این ضعف و فتور که خیانت هیاتهای حاکمه بر ما تحمیل کرده است نتوانند چنین بهره گیری کنند چون بیداری ملی ما ، آن نهضت بزرگ ملت ما ، آن وقوف به آگاهی رهبران نهضت‌های ملی است که باید برابر هر توطئه احتمالی ملت ایران را یکپارچه کند و نگذارد من اطمینان میدهم و ممکن است من در آن وضع و سنگر ملی خودم



بمیرم و کشته شوم ولی هرگز چنین اجازه ای را نخواهیم داد و از هیچ حق ملی خود منصرف نخواهیم شد . )

۷- طی چندین سال از تاریخ تشکیل اوپک تا کنون ، بدنبال مبارزات عظیم و نهضت پیروزی بخش ملی ایران که بر هبری مبارزی میهن پرست ، شادروان دکتر محمد مصدق انجام گرفت و بکرسی پیروزی نشست ، عظیم ترین در آمد ملی از منابع فناپذیر نفت که متعلق به نسلهای آینده ملت ایران بود و هست به خزانه مملکت سرازیر گردید متاسفانه غارتگران خارجی ، دست در دست هیات حاکمه فاسد ایران ، موجبات غارت و تزییع و تفریط این عظیم ترین در آمد ناگهانی تاریخ ایران را فراهم نمودند . بسیاری از این تمهیدات به گونه ای وضع قوانین ظالمانه که عملا دست غارتگران را در تاراج و چپاول ثروت ملی باز گذارد انجام گرفت ، تا جائیکه با ایجاد شرکتهای باصطلاح دولتی که از شمول هرگونه نظارت مالی و مقررات جزائی مصون و معاف بودند . بیش از دو سوم از کل در آمد و هزینه بودجه کل کشور را بطور متوسط هشتاد درصد آن طی سالها از این ممیزی معاف بود در شکم این شرکتهای قرار دادند . متاسفانه فریاد و اعتراض نمایندگان پان ایرانیست و دیگر نمایندگان بجائی نرسید و با وضع این قوانین ظالمانه و قوانین دیگر ثروت ملی دسترنج گروههای عظیم از مردم بغارت رفت و بخارج از ایران فرستاده شد .

در نظام انقلابی ایران ، باید آن تحرک و کارآئی و قاطعیت وجود داشته باشد که با هرگونه اقدام و تمهیداتی که ممکن باشد این سرمایه و ثروت ملی و دسترنج مردم که بموجب فرمان هر مقام و هرکس رفته است ، به ایران بازگردانده شود ( بعقیده من این کاملاً امکان دارد یک جامعه ملی ، یک نهضت ملی و یک نظام انقلابی خواهد توانست تمامی ثروتهای ملی ایران را بهر گوشه جهان که رفته باشد به این وطن بازگرداند . در این مورد باید وامهای کلان و کم بهره و یا هدیه های بیجا که بدولتهای گوناگون داده شده است ، بملت ایران برگردانده شود و استرداد این وجوه از نظر ملت ایران قرینه و دلیل تمایل هر دولت به حفظ روابط دوستانه با ملت ایران تلقی گردد . این یکی از راهها و طرق است .

اگر آنها خود را دوستان ما میدانند بسیار خوب ، ملت ایران ، امروز نیازمند سرمایه هائی است که از او بغارت رفته ، اینها را بما باز گردانند . بنابراین ، این میتواند یکی از خط مشی های دیپلماسی دولت ایران و ملت ایران برای احقاق حق خود باشد . ) این دولتها باید بدانند ، آنچه بدانها از خزانه مملکت داده شده است ، غارت از بیت المال این مملکت است که هرگز مورد تأیید ملت ایران نیست . در همین قسمت ، تذکر باین نکته ضرورت دارد که هرگونه قرار داد و فعل و انفعالی نسبت به منابع و درآمد ملی ایران از گاز و نفت نمیتواند بدون تأیید ملت ایران باشد .

۸- طی سالان متمادی برای کشتن روح ملت ایران ، برای از هم پاشیدن همه نهادهای مذهبی ، ملی و فرهنگی جامعه ی ایرانی ، از طرف هیات حاکمه توتالیتربوروکرات که غالباً هر یک بنحوی با بیگانگان بستگی داشتند ، کوشش وسیعی صورت گرفت . طی سده ها و هزارهای تاریخ ، همواره مهر به ایران ، پیوند با سنتها و آرمانهای ملی ، نخستین تعلیم خانواده و مکتب مدرسه بهر فرزند ایرانی بود . گروههای خود کامه و انترناسیونالیست و غارتگر ، نه تنها جامعه ی ایرانی را از نظر اقتصادی درمانده و متزلزل و آسیب پذیر نمودند ، بلکه روح و روان ملت ایران را مورد هجوم و یورش بسیار قرار دادند . اینک باید فرهنگ ملی ، اندیشه و روح و روان ملی به جامعه ی ایرانی بازگردانده شود .

۹- میلیونها مردم میهن ما ، بخصوص در سالهای اخیر دچار سخت ترین یورشهای گروههای استثمارگر شده اند نه تنها قسمت اعظم درآمد منابع طبیعی کشور ، بلکه دسترنج اکثریت قریب باتفاق ملت ایران دچار غارت و چپاول گروهی معدود گردیده بطوریکه میتوان اکنون خشن ترین نوع حکومت خودکامه طبقاتی بر بسیاری از زمینه های اجتماعی و اقتصادی حکومت میکند . نتیجه این ستمگریها بهر حال از هم پاشیدن نظام اقتصادی نکث در آمد ملی و مخاطرات عظیمی است که از این طریق آینده ملت ایران را تهدید میکند . کشاورزی ملی معدوم شده است ، دامداری دیرین متلاشی گردیده ، دیگر چرخهای نظام اقتصادی ملی از کار باز ایستاده نابسامانی و مشکلات بدان حد از

اهمیت و حساسیت است که بیگمان ملت ایران نیاز بیک جهاد عظیم ملی و اقتصادی دارد ، دعوت عام ملت ایران به انجام چنین جهاد عظیم ملی و اقتصادی جز با استقرار دولت و حکومتی که بتواند حمایت همه ی نیروهای اجتماعی را با خود داشته باشد و دقیقاً بر یک روش ملی انقلابی اتکاء نماید مقدور نیست .  
بهر حال مانند ، میلیونها مردم این سرزمین از آیات عظام استدعا میگردد ، در این برهه خطیر از تاریخ ایران ، ملت ایران را به این جهاد بزرگ اقتصادی ، چونان موارد دیگر رهنمون شوند .

۱۰- آن مهمترین اصل مقدس و اجتناب ناپذیر موجودیت ملی ایران ، دفاع از استقلال و یگانگی میهن ماست . طی سده ها و هزاره های تاریخ ، همواره دشمنان ایران چشم طمع به سرزمینهای میهن ما دوخته اند . حقیقت این است که در این مقطع از زمان ، این مخاطرات شدیدتر است . اما ، هرکس که ایرانی است ، هرکس دل او به مهر ایران و بعشق این سرزمین و این ملت میتپد باید همدوش و هماهنگ با همه ی مردم این سرزمین ، برای دفاع از استقلال ، وحدت و یگانگی ایرانزمین بپا خیزد . من بنام یک ایرانی ، در این حساس ترین دقایق تاریخ ایران ، این پیام را به سوی همه ی ایرانیان میفرستم : برای ملت ایران ، نه هیچکس و نه هیچگونه سازمان و تشکیلاتی خود بخود اصالت ندارد ، آنچه برای ما مقدس و جاودانی و اصیل و نمردنی است ، ملت ایران است و یگانگی و وحدت و سرفرازی جامعه ی ایرانی .

سیاستهای استعمارگر ، قدرتهای خودکامه جهانی ، عوامل نابکار باید بدانند ما مردم این سرزمین ، در این دوران پر شکوه نهضت ، از وجب بوجب خاک این سرزمین دفاع خواهیم کرد . ما مردم این سرزمین از کارگر گرفته تا دانشجو ، از برزگر گرفته تا سرباز ، از ناوی گرفته تا دانش آموز ، همه و همه ، دوشادوش هم از استقلال و آزادی ایران دفاع خواهیم کرد و بیگمان این برهه از زمان شاهد و ناظر نهضت عظیم ملت ایران برای دفاع از یگانگی و آزادی سرزمین بزرگ و مقدس ایرانیان خواهد بود . آنچه اکنون من بیان میدارم ، پیامی است از سوی یک ایرانی ، برای هر ایرانی دیگر که : برادر و خواهر ایرانی ، بسایید همه در این

لحظه های حساس از تاریخ انقلاب ، از همه ی وجود به ایران اندیشه کنیم . به ایران که جان و تن ، گوشت و پوست و استخوان ما از اوست .

اما آنچه در مورد دولت شما ، جناب دکتر بختیار باید بیان نمایم ، با آنچه پیرامون موضع نهضت ، مسائل ملی جامعه ی ایرانی ، ضرورت ها و بایدهای ملی برشمردم ، آیا برآستی شما با چنین کابینه ای که پیرامون خصوصیات آن دوستان دیگر سخن گفتند ( و من سخن را به درازا نخواهم کشاند ) خود را در چنان موضع قانونی و اجتماعی و پیوند یافته با تکیه گاههای نهضت و مردم مییابید که بتوانید برای انجام این هدفهای ملی گام بردارید ؟ آیا شما با چنین ظرفیتی که بعنوان دولت خود ، آنهم بدین کیفیت ارائه داده اید ، خواهید توانست آن دولت معهودی باشید که در این مقطع زمان گره این مسائل ملی را بگشائید و این هدفهای نهضت را برآورده سازید ؟ صمیمانه بیان میکنم ، که من چنین اندیشه نمیکنم .

بگذارید ، سخن خود را که شاید بتوان گفت پیام جاودانی هرایرانی آزاده و میهن خواه است با قسمتی از هفت پیمان که آزادگان میهن خواه در پایان هر نشست فرو میخوانند و با ایران و خدای بزرگ بخاطر جاودانی ایران پیمان می بندند پایان دهم من فکر میکنم که این سرود مقدس است ، بانگ مقدسی است که از دل هر ایرانی آزاده و میهن خواه بر میخیزد و در این برهه خاص از تاریخ ایران این فراز را بیان میکنم و به سخنان خود پایان میدهم .

ایران ، ایران ، ایران ، ای کشور آریان ، نامت بجاست و مهتر در دل ما ، بدبخت تر از خائن تو اهریمنی نیست ، خوشبخت تر از سرباز تو شهید تو کیست ؟

شاد باد ، شاد باد ، شاد باشیدای شهیدان راه ایران که به قرنهای در دل دشتهای ، کوهها و دریاها میهن بخون خود کفن پوشیده و خفته اید . نام شما و یاد شما افتخار ماست و درس زندگی ما .

کیست ؟ کیست ؟ که برترین آرزوی خود را شهادت در راه ایران میداند ؟  
( نمایندگان پان ایرانیست : ما )

امیدوارم که همه ما در این برهه خاص از تاریخ ایران بتوانیم سربازان ،  
کوشندگان و جانبازانی باشیم که با نهایت افتخار براه ایران جامه ی شهادت برتن  
کنیم . هرگاه چنین اندیشه کنیم آنگاه هیچیک ضرور نمی بینیم موضع خود را  
ترک کنیم . می ایستیم می ایستیم از این خاک و این خون و این سرزمین و این  
فرهنگ دفاع میکنیم و چه بسا بمانند هزاران هزار پدران و مادران و خواهرانی  
که کشته شدند ما هم به درجه شهادت نائل بشویم آنوقت زهی افتخار برای ما .

www.iran-archive.com